



مترجم: نازنین

ادیتور: مریم

ارائه از تیم ترجمه جیولینگ

چپتر ۱۲:

اون مرد دقیقا کیه؟





لانی فکرشم نکن!!







خاله، چرا نمی تونم  
با مو-ار ازدواج کنم؟

شما قبلا هم گفتین. برای قدرتمند  
کردن پیوند بین خانواده های هان و  
شیلیانگ، من فقط میتونم با یه دختر از  
خانواده شیلیانگ ازدواج کنم.

م: تف یعنی خودش شیلیانگ نیست! ببخشید دوستان مثل اینکه واقعا این  
پسر خاله بوده! تف به این نسبت ها و ترجمه های انگلیسی!



شما میخواستین که من با دختر خاله  
شوانگ ازدواج کنم و به عنوان صیغه  
ام بگیرمش، ولی شما دیدین که  
امشب چه اتفاقی افتاد!

حتی پدرم هم اجازه  
نمیده که با همچین دختر بی  
آبرویی ازدواج کنم.



تو..!

اگه به خاطر حمایت های مداوم خواهر بزرگتر توی قصر، و برنامه های قدم به قدم من توی اقامتگاه ارباب نبود،


فکر می کنی خانواده هان میتونست همچین دستاوردایی داشته باشه؟

حالا جرات می کنی از پدرت استفاده کنی که منو تحت فشار قرار بدی؟









وی-ار، دیگه تو آینده این  
بحثو پیش نکش.

هر کسی میتونه با شیلیانگ مو  
ازدواج کنه، هر کسی به جز خانواده  
هان باهاش سازگارن.

خاله و بابات و راجع ازدواجت  
تصمیم میگیرن، فهمیدی؟



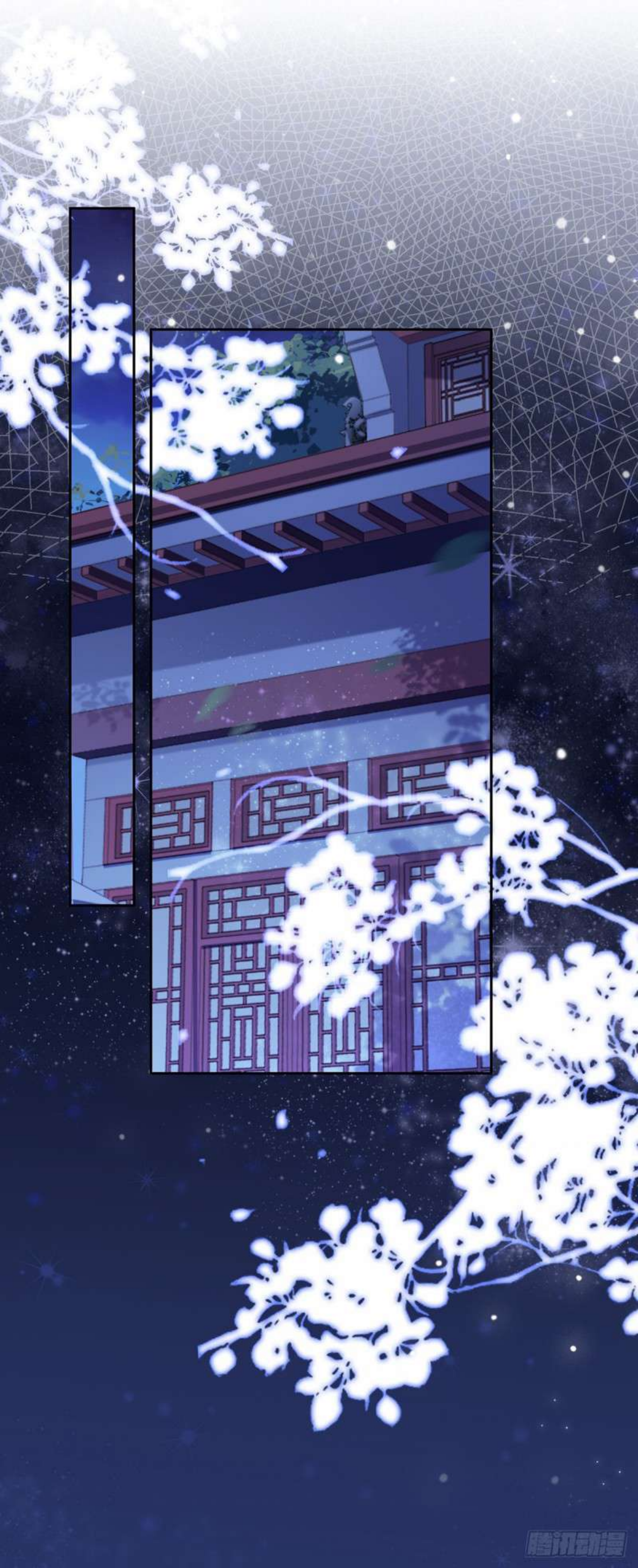
بله، فهمیدم.



من واقعا سرنوشتتم نیست  
که با دخترخاله مو باشم؟

م: نه، گمشو









وووووشش



وووووشش


وووووشش





که اینطور، پس تو  
دختر اون زنی.





این کیه؟

بدنم...

نمیتونم حرکت کنم؟!!





هاها، چه گوش به زنگ...

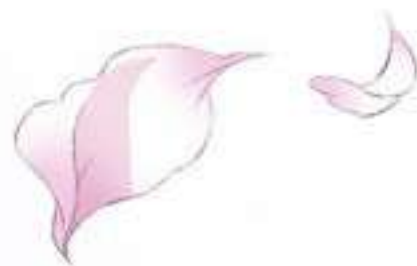


نزدیک شدن





...هه



!هه







دست داخل بدن



عاج...

اون چرات کرد که...

چرات کرد...





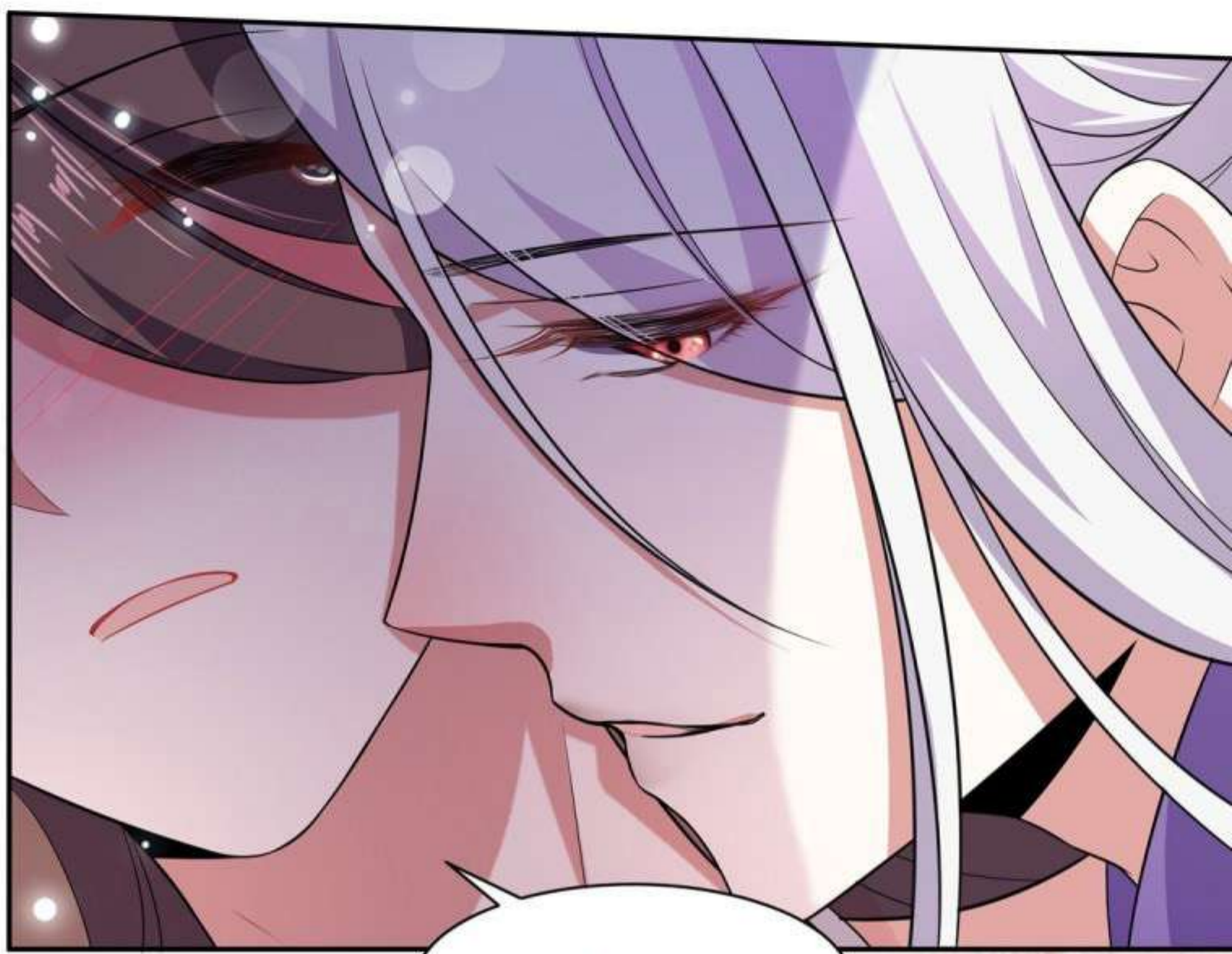
咕啾  
咕啾

چیش، این دختر کوچولو  
می لرزه، چه حساسه، ولی اینجوری  
اونقدر هم جالب نیست...



نه... نه



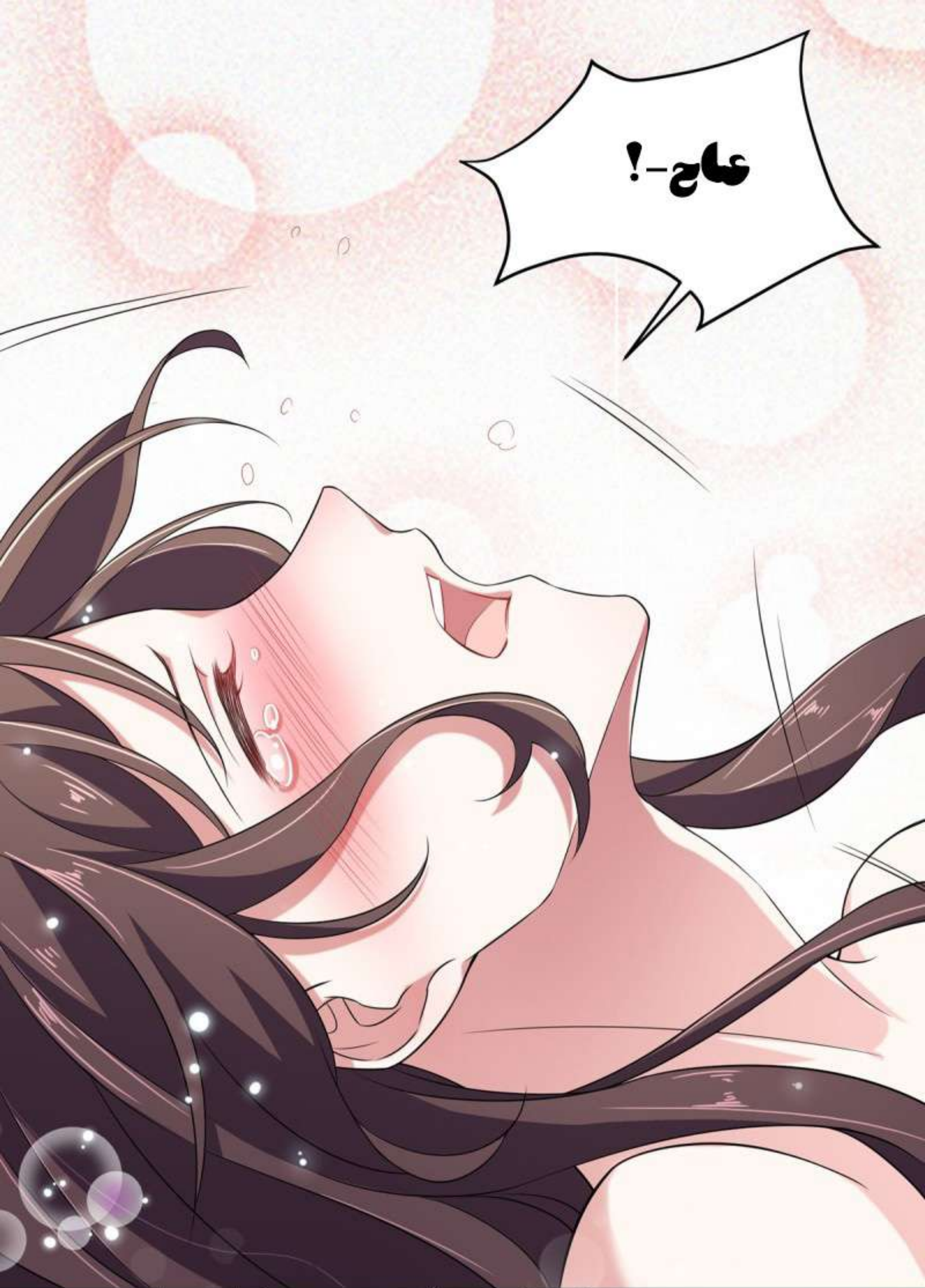


همین

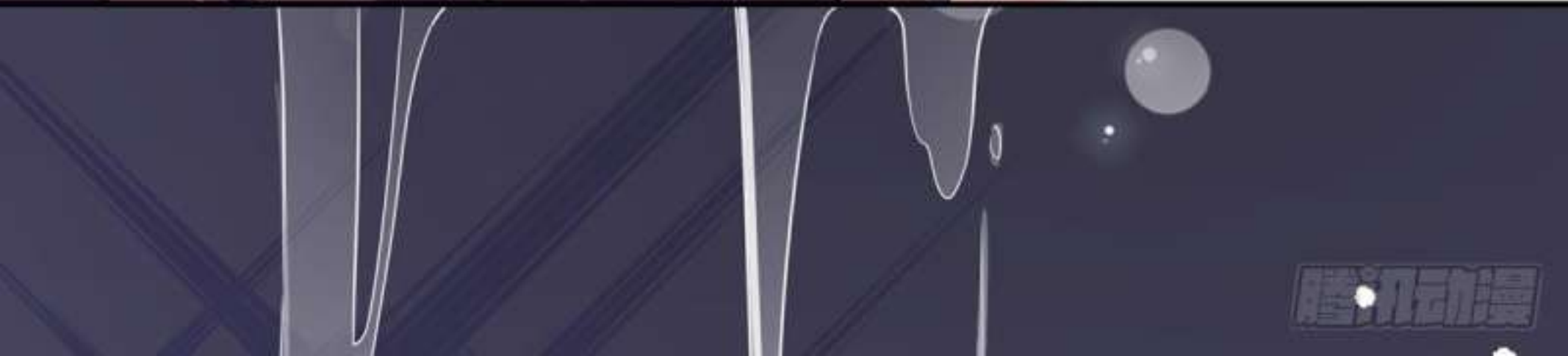


فشار دادن

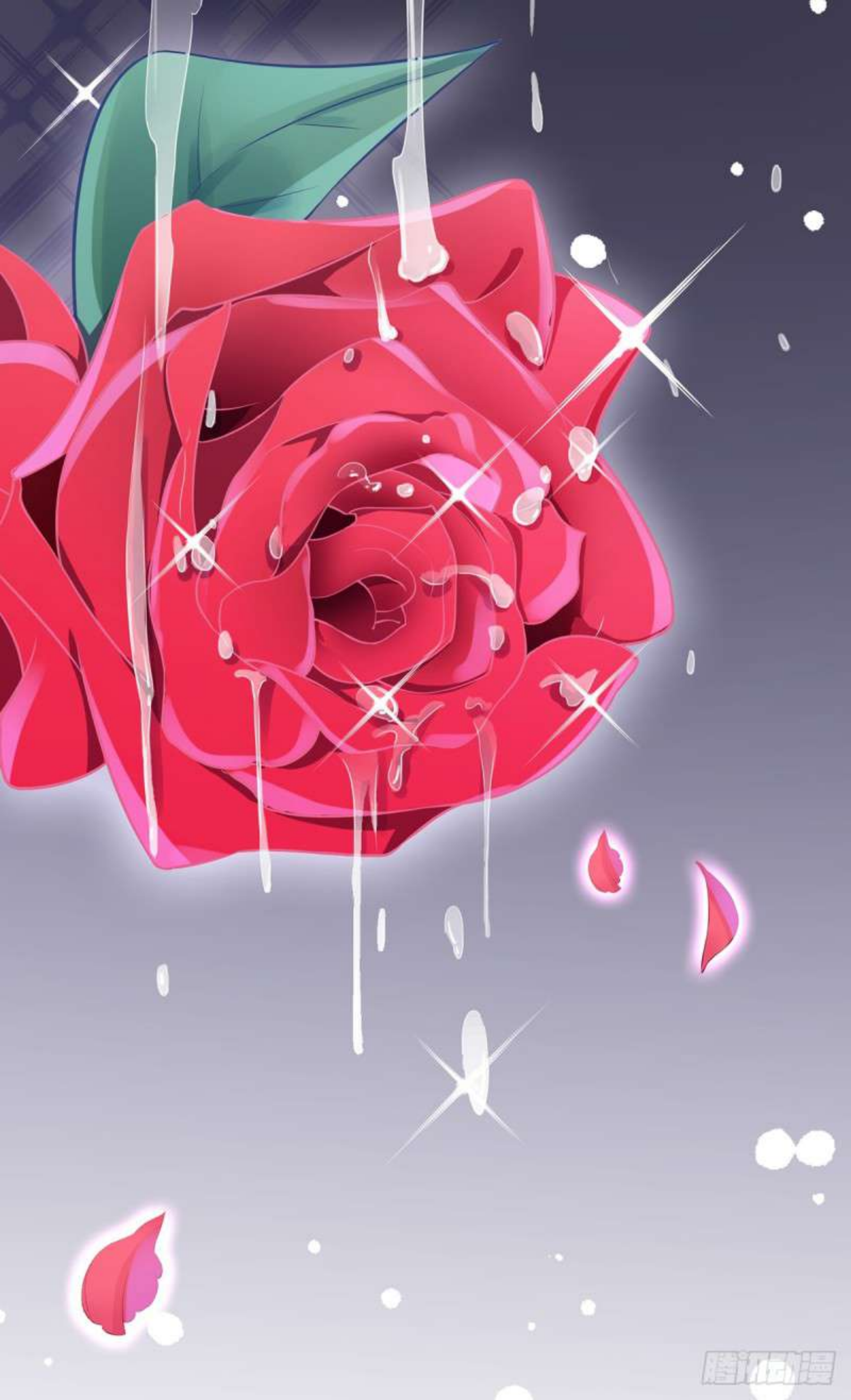




عاج-!









فرو کردن





حروم مزاده!!







شوکه شان





عقب کشیدن

بد نیست، ازونی که فکر  
میکردم جالبتره.







دختر کوچولو،  
هنوز روزای زیادی در  
پیش داریم، بهتره  
حوصلمو سر نبری.

